

این همه سرکوب و نقض فاحش حقوق بشر را متوقف کنید

که در زندان میتوانند در اختیار داشته باشند یعنی نخوردن غذا و دست شستن از جان اقدام نموده‌اند. و برخی از آنان تا بیش از ۷۰ روز است که از خوردن غذا خودداری کرده‌اند و اکنون جان آنان در خطر است.

خانم نرگس محمدی فعال حقوق بشر با داشتن بیماری‌های سنگین به ۱۶ سال زندان محکوم شده است جرم او ایستادن در کنار مادر سالخورده ستار بهشتی و سخنرانی بر سر مزار آن کارگر و بلاگ نویس است که در راه آرمان‌های خود و اظهار عقیده در مورد وطنش در زندان جان خود را از دست داد. آقای احمد منتظری فرزند آیت الله حسینعلی منتظری به جرم منتشر کردن فایل صوتی از پدر خود آیت الله منتظری مبنی بر اعتراض آن انسان صادق به اعدام‌های تابستان ۶۷ به ۱۶ سال زندان محکوم شده است. بسیاری از فعالان سیاسی، وکلای دادگستری، دانشجویان، فعالان حقوق بشر، فعالان حقوق زنان، کارگران، معلمان، اقلیت‌های دینی، روحانیون و دیگر اقشار مردم ایران در زندان‌ها در سرتاسر کشور با محکومیت‌های نا عادلانه و غیر قانونی به بند کشیده شده‌اند.

جبهه ملی ایران با زداشت‌ها و حصرهای غیر قانونی و اعمال تهدید و فشار بر زندانیان سیاسی و عقیدتی را محکوم میکند و همه سازمان‌های مدافع حقوق بشر در سراسر جهان را به اعتراض به این رفتارهای سرکوبگرانه فرا می‌خواند و به حاکمیت جمهوری اسلامی هشدار می‌دهد که از این همه سرکوب و نقض فاحش حقوق انسانی ملت ایران دست بردارد.

اسیران و جندان، واژه ایست که به زندانیان سیاسی اطلاق شده است. سبب بکار بردن این واژه این است که آنان انسان‌هائی هستند که به ندای وجدان خود برای مبارزه با ناهنجاری‌های جامعه و نه به لحاظ منافع شخصی یا امیال مادی پای پیش گذاشته و به بند اسارت گرفتار آمده‌اند. و هر آنکس که کمترین شراره‌ای از انسانیت در قلبش پرتو افکن باشد نمیتواند جز به دیده احترام و تکریم به این اسیران و جندان نگاه نماید. اما متأسفانه صاحبان قدرت در جمهوری اسلامی با برخورد‌های خشونت آمیز و غیر قانونی، زندانیان سیاسی را با محکومیت‌های سنگین و قرار دادن در شرایط طاقت فرسای جسمی و روحی تحت فشار قرار میدهند. برابر اصل حقوقی به ویژه حقوق کیفری هر مجازاتی باید متناسب با جرم باشد این اصلی است که مورد پذیرش تمام قوانین جزائی کشورهای پیشرفته جهان است. ولی با کمال تأسف دستگاه قضایی جمهوری اسلامی برای جرائم سیاسی که از نظر اندیشه‌های جهانی و سیستم‌های قضائی بین المللی نباید مجازات داشته باشد، مجازات‌های سنگین تعیین کرده و حکم می‌دهد. مجازات‌های ۲۰ سال حبس یا ۱۵ سال حبس که برای جرائم قتل عمد و خرید و فروش مواد مخدر و سرعت مسلحانه باید تعیین شود متأسفانه برای جرائم سیاسی وضع میشود که هیچ تناسبی میان شدت جرم و مجازات وجود ندارد. تا آنجاکه امروز اخباری دردناک از اعتصاب غذای عده‌ای از زندانیان سیاسی عقیدتی از زندان‌های چندین شهر ایران به گوش میرسد که به این احکام سنگین و شرایط زندان و عدم توجه به سلامتی زندانیان و درمان زندانیان بیمار دست به اعتراض و اعتصاب غذا زده‌اند. این بدان معنی است که این پیشقراولان مطالبات جامعه به تنها وسیله مبارزه

دکتر سعید فاطمی به رحمت ایزدی پیوست

با تاسف و اندوه فراوان از درگذشت جناب آقای دکتر سعید فاطمی عضو پیشین شورای مرکزی جبهه ملی ایران اطلاع یافتیم. ما این ضایعه را به خانواده ارجمند فاطمی و کلیه اعضاء و هواداران جبهه ملی ایران و به همه مردم شریف و حق شناس ایران تسلیت عرض می‌کنیم.

دکتر سعید فاطمی را از روز ۲۲ مهر ۱۳۲۸ و هنگام راه پیمائی اعتراضی دکتر مصدق به طرف کاخ مرمر در کنار مصدق می‌بینیم و او در تمام عمر به راه مصدق و اعتقادات جبهه ملی ایران وفادار ماند.

دکتر سعید فاطمی خواهر زاده شهید بزرگ جبهه ملی ایران دکتر حسین فاطمی است. او فرزند بانوی شیر دل خانم سلطنت فاطمی است که در روز ۶ اسفند ۱۳۳۲ که دکتر فاطمی پس از چند ماه اختفا بازداشت گردید در مقابل شهر بانی و زمانی که چاقو کشان مزدور حکومت کودتا برای کشتن دکتر فاطمی بر سر اوربختند این بانوی ایثارگر خود را سپر پیکر دکتر فاطمی قرار داد و ده ضربه چاقوی اراذل به سر کردگی شعبان جعفری را

تحمل نمود تا دکتر حسین فاطمی در آن توطئه کشته نشود و بتواند آن مدافعان ماندگار در تاریخ را در دادگاه نظامی به عمل آورد.

یاد و خاطره دکتر سعید فاطمی گرامی و راهش پر رهرو باد.

شورای مرکزی جبهه ملی ایران

ادیب برومند، دکتر لقا اردلان، بانو فرشید افشار، مهندس عباس امیر انتظام، فرهاد امیر ابراهیمی، دکتر جهان‌شاه برومند، فرهاد پیشه‌ای، دکتر هرمیداس باوند، مهندس مرتضی بدیعی، دکتر علی حاج قاسمعلی، عیسی خان حاتمی، مهندس هوشنگ خیراندیش، مهندس هوتن دولتی، دکتر علی رشیدی، دکتر شاهین سپنتا، حسین شاه حسینی، جواد شرف الدین، مهندس حسین عزت زاده، اصغر فنی پور، سرلشگر بازنشسته ناصر فرید، دکتر محسن فرشاد، حسن قدیانی، دکتر باقر قدیری اصلی، دکتر رضا گل نراقی، دکتر حسین موسویان، منوچهر ملک قاسمی، پروفیسور صادق مسرت، ضیاء مصباح، جمشید میرعمادی، مهندس علی محمدی، پر پیچهر میشی، محمد ملک خانی، ابراهیم منتصری، دکتر حسین مجتهدی، ابوالفضل نیماوری، دکتر جمشید وحیدآ.

دموکراسی بر مدار خشونت

در معادلات سیاسی پیش از هرگونه ادامه حیات نیاز به پاسخگویی به مردم و وجدان‌های بیدار دارد.

اگر چه وضعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی مردم کردستان به دلیل بی توجهی و بی تدبیری حکومت جمهوری اسلامی در شرایط ناگوار و نامطلوبی است و بی عدالتی در این بخش از کشور همانند بسیاری از شهرهای این سرزمین بغض آلود است؛ اما شیوه مبارزه در جهت آزادی و استقرار حاکمیت ملی هیچگاه با خشونت در یک مسیر قرار نمی‌گیرند و اینگونه اقدامات تنها بهانه‌ای است برای ایجاد فضای امنیتی بیشتر و محدود شدن فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و مدنی در شهرهای مرزی و جلوگیری از هرگونه فعالیت اجتماعی و مدنی است.

شوربختانه دبیر این حزب اعتراضات فعالین مدنی کردستان و مردم ایران نسبت به اینگونه رفتار خشونت طلبانه را با توهین دیگری پاسخ می‌دهد و ادعا می‌کند که همه ی فعالین داخل مهره ی ایران هستند. هجری عقیده دارد اکثر مردم طرفدار حنگ و خونریزی‌اند!

هرگونه مبارزه مسلحانه و توسل به زور و خشونت و درگیری در هر گوشه از این سرزمین و پایمال کردن حقوق مردم از سوی هر فرد و گروه و دسته و دولت و حاکمیت؛ مردود است و در نهایت گریبان خشونت طلبان و ظالمان را خواهد گرفت.

به عقیده «جان دیویی» (از نظریه پردازان دموکراسی ۱۹۵۲-۱۸۵۹) دموکراسی تنها در سرزمین‌هایی ماندگار می‌شود که با پوست و خون مردم و با زندگانی روزانه آنان عجین شده باشد. از این رو دیویی عقیده داشت دموکراسی و شرایط اصلی اش تعلیم و تربیت، باید سه مشخصه فردیت، شهروندی و انسانیت را که مشخصات اعضای یک فرهنگ دموکراتیک هستند در افراد رشد دهند.

حکومت‌های خردمند با گسترش فرهنگ دموکراتیک اصول و پایه‌های دموکراسی را از جمله اصل مقبولیت و رضایت، اصل حاکمیت ملی و مشارکت عمومی، اصل برابری، اصل آزادی، حاکمیت قانون، حکومت اکثریت و سیستم نمایندگی نهادینه می‌کنند.

و «خیلی جاها» را اعلام کرده و منظور مقصود خود را از کمک؛ کمک‌های مالی، تسلیحاتی، سیاسی و تبلیغاتی عنوان کرده است.

بر اساس تحلیل «پلیتی» که یکی از منابع معتبر در حوزه تحقیقات سیاسی است. عربستان سعودی و قطر در بین تمامی کشورهای جهان دارای غیر دموکرات‌ترین حکومت‌ها هستند و بسیار مضحک است که جهت «مبارزه و استقرار دموکراسی در ایران» از حاکمان جوان و بی تجربه ی عربستان سعودی و

کشوری که رتبه نخست غیر دموکرات‌ترین کشورهاست درخواست کمک و همکاری شود. گروهی سیاسی و شبه نظامی چنان از واژه مرحله نوین جنگی سخن به میان می‌آورده که تنها در یک تقابل نظامی این گروه با یک مرزبانی و چند سرباز وظیفه ایرانی شکست می‌خورند و در این میان هزینه‌های زیادی را بر مردم و ملت ایران به ویژه هموطنان غیور کرد تحمیل می‌کنند. بی گمان ادعای «حضور پیشمرگه‌های مسلح حزب در میان مردم کردستان با هدف آگاهی سیاسی و امید به مردم و تشویق آنان به مبارزه برای حقوق ملی خود» که دبیرکل این حزب آن را مطرح می‌کند را می‌توان ناشی از ناآگاهی و یا خیانت به هموطنان دانست.

آیا در کشور محل سکونت این فرد این اجازه به فرد و گروهی داده می‌شود که «برای دادن آگاهی سیاسی و امید به مردم» اسلحه همراه برد و هر فردی که این امید را نخواهد کشته و از میان برود؟ و آیا دولت و حکومتی را می‌توان یافت که این شیوه مبارزه را پذیرفته و مهر تایید بر آن زند؟

حزبی که به دریافت کمک‌های صدام حسین جهت ضربه زدن و کشتار مردم اعتراف می‌کند و در تاریخ مبارزات خود علیه ایران اینگونه کمک‌ها را «زیاد» اعلام می‌کند؛

واژه دموکراسی در ترمینولوژی سیاسی از جنبه‌های گوناگون و متفاوتی تعریف و مدلهایی را برای آن بیان کرده‌اند. اینکه دموکراسی از چه ریشه‌ای و از چه کشوری

آغاز شده و شخصیت‌ها و اندیشمندان این حوزه چه تعاریف خاصی را ارائه کرده‌اند تا اینکه انواع و چستی دموکراسی مستقیم یا پارلمانی و لیبرالی یا سوسیالیستی، پلورالیستی و مشارکتی و یا چند حزبی و مدلهای دیگری را در نظام‌های سیاسی جهان چگونه تحلیل و تفسیر کرده‌اند در حوزه نظری جایگاه و پایگاه دارد. اما در

نهایت می‌توان یک مفهوم کلی را بر این واژه پرحاشیه ارائه کرد. گذر از انحصار طلبی و دستیابی به جامعه‌ای مدنی. بی شک درکی که دانش آموزان و دانشجویان پایه علوم سیاسی و رشته‌های همسوز واژه دموکراسی دارند مغایرتی همه جانبه با واژه خشونت است و هرگونه مبارزه در سمت و سوی جاده دموکراسی ابرازی به نام خشونت را نمی‌توان یافت و استفاده از این ابزار برای حصول به آزادی و دموکراسی بی مفهوم، بی نتیجه و خود آغازگر و بیانگر نگرشی غیر دموکراتیک است.

آزادی هیچگاه از لوله تفنگ بیرون نخواهد آمد و هر دسته و گروه و حکومتی که با توسل به زور و خشونت و کشتار به قدرت رسید هیچگاه پابرجا نبوده و نخواهد بود و در مقابل آن انسانهای بزرگ و مبارزی که در جهت آزادی و مبارزه با استبداد و دیکتاتوری حرکت کرده و می‌کنند از آنها به نیکی یاد شده و می‌شود.

مدتی است که حزب دموکرات کردستان در جهت دستیابی به قدرت و با ادعای مبارزه علیه استبداد و تلاش برای دموکراسی و آزادی شیوه‌های خشونت آمیز و جنگ مسلحانه‌ای را علیه مردم کشور خود آغاز کرده است و برای مبارزه با جمهوری اسلامی ایران دست‌نیاز به سایر کشورها دراز کرده است. «مصطفی هجری» دبیرکل این حزب که در پاریس سکونت دارد در مصاحبه‌ای با روزنامه «اورشلیم پست» از کشور اسرائیل جهت مبارزه مسلحانه با ایران درخواست همکاری و کمک کرده است. او در گفتگو با بی بی سی فارسی درخواست کمک از اسرائیل و عربستان

یاد و احترام به آیت اله حاج سید رضا زنجانی در سی و سومین سالگرد درگذشت او

هجدهم دیماه، سالگشت درگذشت راد مردی آزاده و دانشمندی فرزانه است که در این سالها قدر و منزلت او برای نسل امروز نا شناخته و نا گفته مانده است.

بی شک محال است که کسی نهضت پرافتخار ملی ایران را بدون نام آیت الله سید رضا زنجانی بشناسد. پیرامون سلف صالح و عالم ایشان، همچنین زندگانی علمی شان فرصتی دیگر باید که به آن پرداخته شود. در این نوشتار کوتاه بر آنیم تا نگاهی بسیار گذرا به یکی از حساس ترین مقاطع تاریخی کشورمان یعنی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و نقش آیت الله زنجانی در زنده نگاه داشتن آرمان های نهضت ملی، داشته باشیم.

در زمان ملی شدن صنعت نفت در بین روحانیان سه گرایش نسبت به این حادثه ی تاریخی وجود داشت:

الف) گرایش بی تفاوت و تا حدودی متأثر از تبلیغات محیط.

ب) گرایش مخالف که شامل روحانیان درباری و یا طرفدار دربار نظیر آیت الله سید محمد بهبهانی و آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی که از ۲۳ آبان ۱۳۳۱ مخالفت خود را با نهضت ملی علنی ساخت می شود و می بینیم در غائله ی نهم اسفندماه و کودتای ۲۸ مرداد حمایت قاطع خود را از محمد رضا شاه اعلام می دارند.

ج) گرایش طرفداری و حتی پیشرو بودن در مبارزه های نهضت ملی و داشتن تعهد دینی و تقوای ملی در کنار هم. آیات عظام محمد تقی خوانساری، محلاتی، کلباسی و زنجانی از این زمره اند که البته نام آوران این گرایش بسیارند و نام این چند تن به عنوان نمونه بیان شده است.

آیت الله سید رضا زنجانی پس از کودتای ۲۸ مرداد که جو عمومی به سوی ناامیدی و احساس ناکامی و یاس و شکست می رفت، بنیاد نهضت مقاومت ملی را با شعار "نهضت ادامه دارد" برای استمرار بخشیدن به حرکت آزادی خواهانه و آرمان های مردم سالارانه، پی افکند و نیروهای متشکلت بیرون از زندان را گرد هم آورد و به سازماندهی، پرداخت و تشکل پویا، منسجم، هدفمند و پرتوان به وجود آورد که درفش آزادی خواهی و ملی گرایی بر زمین نماند و خود نیز چون سر بازی دلاور و پاکبخته از پخش اعلامیه تا امور کلان تر تشکل را بر عهده گرفت و در این راه طعم تلخ زندان محمد رضاشاهی را چشید. و زندگانی خود را در این راه نهاد تا جایی که باغ پدر خوایش را در زنجان به فروش رساند و پول آن را مصروف مبارزه ساخت.

با وجود حدت و شدت کودتاگران هیچگاه محافظه کاری پیشه نکرد و دست از حمایت از همراهان گرفتارش دور نداشت. مثلا پس از اعتصاب بازار در سالگرد سی ام تیرماه، آیت الله زنجانی در لشکر دوم زمهری به بند گرفتار می آید و در آنجا در می یابد که شهید نیکنام تاریخ ایران دکتر سید حسین فاطمی در همان زندان است. ایشان بی محابا با زندانی ای که در آستانه اعدام است به مکاتبه سری می پردازد و شاید قسمت هایی بسیار درخشان و پراهمیتی از تاریخ نهضت ملی ایران در همین نامه ها منعکس است. ایشان برای نجات او و تامین حوائجش در زندان و گرفتن وکیل تلاش های خستگی ناپذیری انجام می دهد دروغا که موثر نمی افتد. همچنین پس از درگذشت دکتر مصدق که به او عشق می ورزید، بر پیکر پاک

او در تبعیدگاه و در محاصره ی نیروهای نظامی، نماز میت به پا داشت. از سوی دیگر هنگامی که دولت کودتا و دربار بر آن بودند تا با ارائه ی حضور طرفدارانه ی کسانی چون بقایی، مکی، حائری زاده، مصطفی کاشانی، شمس قنات آبادی و آیت الله کاشانی در کنار و همراه ارکان قدرت، کودتای خود را، شورش مردم علیه مصدق و قیام ملی به نفع شاه نشان دهند. کوشش های روشنگرانه ی نهضت مقاومت ملی بود که توطئه ی ایشان را نقش بر آب کرد و مخالفت صریح و قاطع آیت الله زنجانی با دولت کودتا و محمد رضا شاه از عوامل موثری بود که هیچگاه چنین شعاری نتواند جایگاهی بیابد. پس از انقلاب ۵۷ اعتقاد ایشان بر نظارت روحانیت بود نه دخالت در اجراییات و چون به این مهم وقعی نهاده نشد از عرصه مبارزات کنار کشیدند و تنها در آغازین سال های انقلاب برای راهپیمایی بزرگداشت شهدای حماسه ی سی ام تیرماه یک بار از مردم دعوت کردند تا در میدان بهارستان گرد آیند که استقبال چشمگیری به عمل آمد.

دریغاکه جوان روز اجازه نداد تا چنان که شاید و باید به یاد و خاطره ی این بزرگ مرد در عرصه ی رسانه های کشور پرداخته شود.

و امروز نیز کاری در خور صورت نگرفته است. البته این یادمانها بر بلندای نام او نمی افزاید اما برای نسل امروز راهگشا و چاره گر خواهد بود چه به گفته ی مولوی "صحبت مردانت از مردا کند" یاد و راهش پایا و پویا باد.

یاد آوری پنج نکته به نمایندگان مجلس شورای اسلامی

۱) فراکسیون معمولا شامل افرادی با هدف یا اهداف مشترک است. پرسش این است که قید زبان ترکی چه هدفی را دنبال می کند؟ سیاسی که نیست چون در میان هم میهنان آذری مانند همه جای ایران گرایش های مختلف سیاسی دیده می شود. اجتماعی یا فرهنگی هم تفاوت خاصی با دیگر اقوام شریف این مرز و بوم ندارند. پس این فراکسیون دنبال چیست؟ چرا صریح اهداف خود را بیان نمی کند؟

۲) نماینده ی یک شهر برای کل کشور می تواند تقنین کند پس تمایز گویشی چه چیزی را دنبال می کند. یک نماینده ی کرد بلوچ آذری مازی خوزی گیلکی و ... همان قدر که به محل انتخاب خود متعهد است به دیگر نواحی ایران نیز متعهد است و برای سرنوشت آنان نقش ایفا می کند.

۳) پارلمان نهادی مدرن است و بر مبنای تحزب و عقاید افراد تشکیل می شود. حال کسانی که تحت لوای فهرست اصلاح طلبان و اعتدالیون به مجلس راه یافته اند چگونه هم دست اصولگرایانی که ظاهرا در موارد زیادی با آنها اختلاف نظر و عقیده دارند می شوند آیا تنها زبان و گویش می توانند باعث هم عقیدگی و هم مسلکی باشد؟

۴) کسی که نماینده ی مجلس است آیا نباید اندکی مطالعه ی تاریخی و اجتماعی داشته باشد؟ بسیاری از شخصیت های تاریخ پارلمان ایران آذری بوده اند اما هرگز در فعالیت اجتماعی برای منافع ملی بر مبنای قومیت و زبان محلی خود را متمایز نساخته اند. و أصلا مگر زبان قرار است محدود و محصور بماند که داخل و خارج فراکسیون باشد؟

۵) در شرایط کنونی منطقه چنین مانورهایی تهدید گر جدی منافع ملی است. مشکل ایران مشکل دموکراسی و قانون است که فراگیر است و محدود به یک گروه نیست. تنوع فرهنگی و تکثر اندیشه فراتر از گروه بندی ها راه خود را می گشاید و در تعامل و نه در تباین رخ می نماید.

گردان ایران دوست

که جمله شیفته‌ی میهن اند و سامان دوست

ستوده سیرت و پاکیزه خوی و افسان دوست

ادیب برومند

دروود باد به گردانِ گردِ ایران دوست

اصل مانده نژادی ز قوم ایرانی

اصول عقاید و هدف‌های جبهه ملی ایران

اصل اول - حفظ تمامیت ارضی، استقرار حاکمیت ملی و استقلال سیاسی برخاسته از اراده عمومی ملت ایران در نظام جمهوری مبتنی بر اصول دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون.

اصل دوم - تاکید بر تامین و حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی مردم ایران به ویژه آزادی احزاب، انتخابات و مطبوعات و تساوی حقوق زن و مرد و مبارزه با هرگونه تجاوز به حقوق بشر.

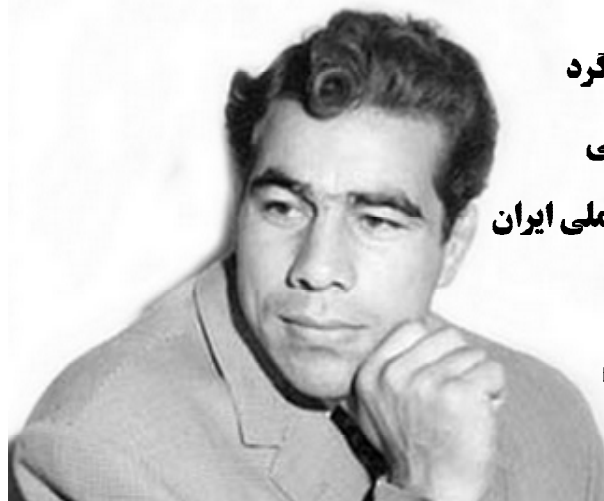
اصل سوم - جبهه ملی ایران برای حفظ احترام دین مبین اسلام و همچنین فراهم شدن امکان بهره‌گیری از تمامی توان ملی و مردمی جامعه ایران بر اصل جدایی دین از حکومت تاکید می‌کند.

اصل چهارم - استقرار عدالت اجتماعی و بالا بردن سطح رفاه عمومی بر اساس جهان بینی علمی، رشد تولید و افزایش اشتغال و توزیع عادلانه در آمد ملی.

اصل پنجم - احترام به حقوق شهروندی برابر و اعتقادات دینی و آداب و رسوم و زبانها و گویش‌های تمامی تیره‌ها و مردم سرزمین ایران.

اصل ششم - تقویت و پاسداری و گسترش زبان ملی و مشترک فارسی و فرهنگ و هنرهای ملی ایران.

اصل هفتم - اتخاذ سیاست خارجی مستقل ایرانی بر اساس حفظ مصالح و منافع ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور و پشتیبانی از اصول و هدف‌های منشور ملل متحد و دوستی و احترام متقابل با همه ملت‌ها و کشورها به ویژه کشورهای منطقه و مبارزه با هر گونه تروریسم فردی و گروهی و دولتی.



در روز ۱۷ دی سالگرد

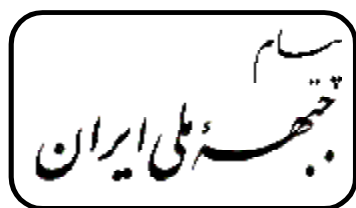
جهان پهلوان تختی

عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران

یاد و نام او را

گرامی می‌داریم

در تاریخ ملل حتی در میان اقوام گهگاه نامی از مردانی برده میشود که مظهر بلندی و بالندگی به شمار می‌آیند. تاریخ پر از نشیب و فراز ایران هم مستثنی از این قاعده نبوده و نمیشود. با نیم نگاهی به تاریخ ایران زمین نام بزرگ مردانی همچون یعقوب لیث صفار از خطه سیستان و بلوچستان در پیش از هزار سال قبل که باعث ایجاد حرکتی مردمی برای رهایی از یوغ خلفای عرب گردید و با جلال الدین خوارزمشاه از دیار خراسان که بتنهایی مدتها توانست مردانه در برابر هجوم و حشیشانه قوم وحشی مغول به ایران باسد را نمیتوان فراموش کرد. تاریخ ثابت کرده است که ظهور یک چنین راد مردانی با شهامت و وطن دوست در مقاطعی رخ نشان میدهد که در اجتماع وقایع هیجان انگیز و چه بسا تلخی به وقوع پیوسته که از جمله تداوم حرکت سیاسی مردم تحت لوای نهضت ملی ایران بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد در سال ۱۳۳۲ بود. دوران فطرتی که خفقان از هر سو بر اجتماع حاکم و حاکمیت وقت رژیم پهلوی بدون مهابا جوانان وطن دوست را به بهانه‌های واهی بدست جلادان دیکتاتوری به سیاهچالها میانداخت و چه بسا تعدادی را هم در اثر شکنجه به دیار ابدیت می‌فرستاد. در یک چنین مقطع خفقان آور جهان پهلوان غلامرضا تختی که از خانواده‌ای زحمتکش از جنوب تهران سر بر افراشته بود قد علم کرد و با برخورداری از پشتوانه محبوبیت مردمی به عضویت جبهه ملی ایران یعنی جمع رهروان راه مصدق در آمد و در همه جا به عنوان اسوه مقاومت و ستیز با رژیم دژخیم پهلوی نمایان گردید. در میداين ورزشی چون کشتی همیشه قهرمان قهرمانان جهان بود و در مقاطع غیر ورزشی فردی دلیر و دلسوز و دستگیر افراد دردمند و نیازمند و محتاج بود و از هیچ کوششی برای یاری رسانیدن و سامان دادن به وضع زندگی آنها کوتاهی نمیکرد. خاطره بسیار جالب و شگفت انگیز این بزرگ مرد موقعی به اوج رسید که در سال ۱۳۴۱ مصادف با وقوع زلزله دهشتناک بوبین زهرا، تختی به تنهایی با رفتن به میان مردم کوچه و بازار اقدام به جمع آوری کمک‌های مردمی بسیار کرد که مردم تهران شاهد جهان پهلوان تختی بر روی کامیونی مملو از لباس و بخششهای مردمی در خیابان‌های مرکزی شهر بودند. جهان پهلوان غلامرضا تختی در راستای پیروی از راه راستین مصدق عضو جبهه ملی ایران شده بود قبل از فوت ابهام بر انگیزش در کنگره سال ۱۳۴۱ به عضویت شورای مرکزی جبهه ملی ایران انتخاب شده بود. و مدتها ریاست سازمان ورزشکاران جبهه ملی را تا پایان عمر بر بکنش به عهده داشت. امروزه نام نیک جهان پهلوان تختی در کنار نام پوریای ولی رادمرد و قهرمان افسانه‌ای ایران میدرخشد و بخاطر همین صفات پاک و داشتن شهامت و مردانگی در ستیزه جویی با رژیم دیکتاتوری پهلوی مردم حق شناس ایران ورزشگاه‌ها و مراکز چند در سطح کشور را بنام تختی نامگذاری کردند تا خاطره این رادمرد و افعال و افکارش برای نسل کنونی و نسل آینده زنده باقی بماند.



نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا

<http://jebhemeliiran.org>

[E-mail: info@jebhemeliiran.org](mailto:info@jebhemeliiran.org)